

« زمانه گشت دگرگون و من دگر گشتم »
رودکی

در هوای شما

خوشم که در دل شب مرده‌ی سحر گشتم	پی ستاره‌ی خوشبختی بشکر گشتم
من آن درخت سگیبای ریشه در خوشم	که زیر ضربی هر تیشه تازه تر گشتم
اگر ز باد پریشان به صفحه افتادم	درخت کوهی‌ی خرم ز برگ بر گشتم
و گرت ساحم توفان بکام بجرم برد	بسوی ساحل با موج هم سفر گشتم
به سر گشت سگفتم به شادی روحم	و فاکند و گنوید در بدر گشتم
دوبال سرکش من شعر بود عشق وطن	به قلعه ما چو عقابان تیز پر گشتم
نسیم مهر شما بود و آتش دل من	که در سگفتن هر واژه شعله در گشتم
برای روشنی عشق و شادی دلها	همیشه در پی آئینه ظفر گشتم
زمانه هر چه دگرگون شود به نام من	که در هوای شما یک خوش خبر گشتم

زالله

بدستور ز راه عزیز قلعه گردید . تهران . روز جمعه پانزدهم دی ماه ۱۳۶۸ . غلامرضا سلطانی تهرانی